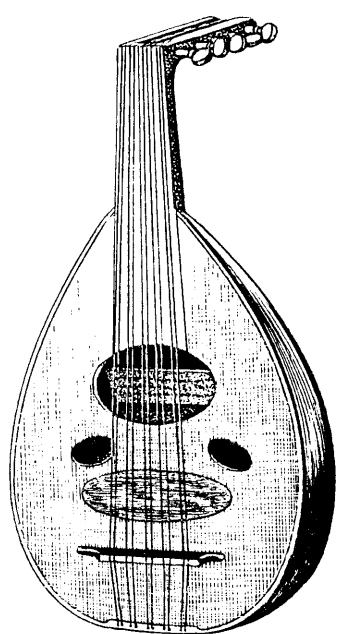


ع

عابدیان، طاها [Tāhā Ābedyān]: نوازنده چیره دست ویلن آلتو که در تهران فعالیت دارد.

عابدینی، حسن [Hasan Ābedini]: خواننده معروف خراسان. از این خواننده آلبومی بنام: چشمه در دسترس میباشد.

عابدینی، دستگاه موسیقی [Dastgāhe Musigiye Ābedini]: دستگاه موسیقی اهل حق که نسبتاً رایج بوده و برای مناجات بکار میرود. این دستگاه در دو - فاکوک میشود.

عابدینی، لادن [Lādan Ābedini]: لادن عابدینی، نوازنده زیردست سنتور، در سال ۱۳۵۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در طول تحصیلات دانشگاهی به کلاس استاد رحمت‌اله عنایتی رفت و مدت چهار سال از ایشان مشق موسیقی گرفت. لادن عابدینی، در تهران و در یک شرکت کامپیوتری مشغول کار است.

عاج مهره [Āj Mohre]: سازی است بادی، از رده شیپور یا بوق، این ساز را از دندان فیل (عاج) میساختند و در جنگ می‌نواختند.

عارف ایگی [Āref Igi]: سراج الدین حسین، پسر غیاث‌الدین علی ایگی، متخلص به عارف از شاعران سده دهم و یازدهم است. او در سال ۹۷۶ در ایگ، حاکم نشین شبانکاره (از توابع دارابگرد فارس) بدنیا آمد. در ۲۸ سالگی زادگاه خود را رها کرد و به هندوستان رفت. عارف ایگی در سال ۱۰۳۵ چشم از جهان فرو بست.

عارف (عارف، عارف کیا) [Ārefkyā Āref]: عارف خواننده مشهور و معروف دهه ۱۳۴۰ که هم چنان در اوج می‌خواند. عارف از پُرکارترین خوانندگان پیش از انقلاب است که پس از تصمیم‌گیری فیلمسازان ایرانی و حذف صدای ایرج، او یک تاز فیلم‌های فارسی شد. سلطان قلب‌ها، دریاچه نور، برگشته مژگان، عشق تونمی میرد، کوچولو، ای خدا، حالا خیلی دیره، عشق، شهر سکوت، باغ بارون زده، سرکتل و خیلی وقته عاشقم. از ترانه‌های جاویدان و ماندگاری است که توسط این خواننده اجرا شده است.

عارف در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می‌کند و در سالهای اخیر از فعالیت خوبی برخوردار بوده
 Xayyām (Xayyām) خیام X,x Y,y غرق (Qarq) Q,q جمع (Jamw) W,w J,j سرکش (Sarkes) S,s K,k Ā,a A,a آدم (Ādam) Z,z واه (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

است.

از آلبومهای عارف در آمریکا میتوان به: گل سُرخ همراه با ابی، نازک، روزگار غریبی است نازنین، ماه و پلنگ، خدا کند بیائی اشاره داشت.

عارف قزوینی، ابوالقاسم [Abolqāsem Āref Qazvini]: تصنیف ساز، موسیقیدان، شاعر انقلابی، ابوالقاسم عارف در سال ۱۳۰۰ هجری در قزوین بدنیا آمد. پدرش ملا هادی، وکیل دعاوی بود که همواره با همسرش در حال نزاع بود. از اینرو دوران طفولیت عارف همواره به پریشانی گذشته است. عارف چون صدای خوبی داشت، پدرش خواست که او روضه خوان شود، از این رو به سرش عمامه گذاشت و او را به میرزا حسن واعظ سپرد. عارف در سال ۱۳۱۶ هجری به تهران آمد و با موثق الدوله و دیگر رؤسای دربار آشنا شد. آوازه او به گوش مظفرالدین شاه رسید. شاه پس از شنیدن دو غزل از او دستور داد پانصد تومان به او بدهند و عمامه اش را بردارند. با آغاز مشروطیت، عارف استعداد خود را وقف آزادی کرد. مهمترین اثر عارف در این زمان، غزل «پیام آزادی» است.

عارف از سن سیزده سالگی بدنای موسیقی پا گذاشت و چون صدای خوبی داشت تحت تعلیم «حاجی صادق خرازی» به فرا گرفتن اصول موسیقی و خواندن پرداخت. عارف اولین شاعری است که شعر و موسیقی را بصورت تصنیف با مضامین اجتماعی و سیاسی توأم ساخت.

عارف، در سفری به بغداد و استانبول، پس از دیدن دارالاحان ترک، به محض بازگشت به ایران تصمیم گرفت، آموزشگاهی جهت تعلیم موسیقی در ایران باز کند، ولی به خاطر مشکلات بسیار، موفق به انجام اینکار نشد.

او عدم اطلاع موسیقیدان ایرانی به خط نت را، بزرگترین مصیبت برای موسیقی ایران میدانست. از عارف ۲۴ تصنیف و چند مارش و سرود بجا مانده است، که اشعار آنها در دیوانش چاپ شده است. تصنیف «آواز بهاری» را در سال ۱۲۸۶ خورشیدی ساخت و بخاطر عشق و علاقه بسیار به حیدر عمو اوغلی، یکی از سرداران انقلاب مشروطیت، آنرا به نام او کرد.

در سالهای آخر عمر، غم و اندوه او شدت گرفت و در همدان منزوی شد و در همان شهر چشم از جهان فرو بست. قبر عارف، در صحن آرامگاه بوعلی سینا است. سال درگذشت عارف ۱۳۱۲ خورشیدی بود.

عارف، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Āref]: گروه موسیقی عارف به سرپرستی پرویز مشکاتیان، اجرا کننده آهنگهای اصیل ایرانی.

اعضای گروه عارف عبارتند از: اردشیر کامکار (کمانچه)، بیژن کامکار (دف، ضرب و رباب)، کیوان ساکت (تار)، کورش بابائی (کمانچه)، محمدعلی کیانی نژاد (نی)، سیامک نعمت ناصر (تار)، محمد فیروزی

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

(عود)، پیروزی نیا (عود)، بهرام ساعد (تار و تارباس) و حمید متبسم (تار).

عارف نامه [Aref-name]: لحنی در ردیف دستگاه بیات اصفهان، عاشوراوندی یا بیات شیراز.

عارفی [Arefi]: مولانا محمود عارفی هروی در سال ۷۹۲ هجری در هرات بدنیا آمد. او از شاعران مشهور عهد شاهرخ بن تیمور است، که به جهت قدرت سخنوری به سلمان ثانی معروف است. وفات او در سال ۸۵۳ در هرات اتفاق افتاد. از سروده های او: ده نامه و منظومه ای بنام گوی و چوگان، و حال نامه است.

منظومه این شاعر در ۱۹۳۱ میلادی در لندن چاپ شده است.

عازف [Azef]: سازی است زهی و شبیه به تنبور.

عاشق [Aseq]: سازی است رشته ای مقید از رده تنبور که به آن «ساز» هم میگویند. زاکس، این ساز را عاشک نوشته و تنبور میداند. در آذربایجان، ساز عاشق را عاشیق می نامند. در ترکیه به آن بغلاما یا بغلمه میگویند. کاسه طنینی عاشق از سه تار بزرگتر و دسته آن هم بلند تر و کلفت تر است. بندرت دیده میشود، دسته آنرا پرده بندی کنند.

عاشق [Aseq]: نوازنده، سراینده (عاشیق مشتق از این واژه است).

۱- عاشق های خراسانی: قدیمی ترین و اصیل ترین هنرمندان ناحیه خراسان هستند. عاشق های خراسانی، ساز هائی چون: سورنا، دُهل، قشمه، کمانچه و دایره می زنند. آنها از رقصندگان شمال خراسان محسوب می شوند.

در دوران گذشته، هنرمندان، تنها کسانی بودند که از پرداخت مالیات معاف بوده و تنها گروهی بودند که حق انتقاد داشتند و مجازات نمی شدند.

۲- عاشق های آذربایجانی. ادبیات و فرهنگ شفاهی آذربایجان، یکی از غنی ترین انواع در نوع خود میباشد و در این میان عاشق های آذربایجانی، وارث یکی از کهن ترین ادبیات این سرزمین هستند. عاشق های آذری، حافظ ادب و هنر پیشینیان خود هستند. آنان طبیعت، زندگی و حفظ سنن را سر لوحه الهام کاری خویش قرار داده اند. کهن ترین کتاب عاشقی؛ دده قورقود است که واژه اوزان در این کتاب آمده است.

آشو، آشا در زبان اوستائی به معنی مقدس آمده است. اشک یا اشوک که نام همگانی پادشاهان اشکانی

آ،a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکن (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zale)

بوده؛ از همین ریشه به معنی مقدس می‌باشد. از آنجا که زبان ترکی و گویش های مختلف آن ریشه در زبان های آریائی دارد. بنظر میرسد که عاشیق و یا عاشوق، تلفظ ویژه ای از آشک، آشوک، اشک، آشو و یا آشا باشد. اگر در واژه آشو جستجو کنیم، میتوان به این نکته دست یافت که اشیک در تلفظ بصورت آشیق و در کتابت بصورت عاشیق درآمده است. عاشیق ها، گوسان های عهد اشکانیان می‌باشند. زیرا آشقباد (عشق آباد) از نقاط مرکزی و مهم اشکانیان محسوب میشده است.

اوزان ها، نیاکان عاشیق های آذری و ارمنی و بخشی های ترکمن صحرا هستند. با قاطعیت میتوان گفت که با واژه عاشیق، به هیچ وجه ارتباطی با واژه عشق، یا عشقه عربی ندارد.

پس از انقراض اوزان ها و پیدایش عاشیق ها، شیوه کار هم تا حدودی تفاوت یافت و هنر عاشیقی، نسبت به هنرگوسان ها، شادتر و مفرح تر گردید. در دوره شاه اسماعیل صفوی، هنر عاشیقی در اوج بود. پیش از شاه اسماعیل مدارکی وجود دارد که نشانگر هنر عاشیقی است. در دوره حکومت دودمان قره قویونلو در آذربایجان و تمرکز کامل ترکان در این سرزمین به عاشیق ها: گا- اوزان می گفتند. هنرمندترین عاشیق را، دده میدانند. عاشیق ها هنرمندانی بودند و هستند که در آهنگسازی، شاعری، خوانندگی، نوازندگی، رقصندگی، هنرپیشگی، منظومه سرائی مهارت کامل داشته و دارند. ساز اصل عاشیق ها: قوپوز است. نغمه عاشیقی، پیش از حمله اعراب، بوی (Boy) نامیده میشد و پس از استیلای عرب بر ایران تا امروز، «هاوا» نامیده میشود.

موسیقی عاشیقی، در حدود هشتاد نغمه دارد که جملگی بصورت قطعه های ریتمیک هستند، و در سه مقام اصلی؛ سه گاه، ماهور و شور اجرا میشوند. هاوا در برگیرنده حماسه، شادی و غم است. مرکب خوانی و مرکب نوازی، یکی از شیوه های متداول در موسیقی عاشیقی است. ساختمان قطعه های عاشیقی از سه جزء تشکیل یافته است که شامل: پایه، گل و یارپاق است.

عاشق اسماعیل [Åseq Esmâeile]: تنها عاشق بازمانده در ایل قشقائی است که هنوز می نوازند و می خوانند.

لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به قشقائی، موسیقی نگاه کنید.

عاشق کش [Åseq-Koš]: گوشه ای است در دستگاه شور که به آن عقده گشا هم میگویند.

عاشوراوندی [Åsurāvandi]: گوشه ای در دستگاه راست پنجگاه.

عاشورپور، احمد [Ahmad Åsur-pur]: خواننده مشهور و قدیمی ترانه های گیلکی و از اعضای

آ,â A,a آدم (Ådam) S,s K,k S,s مرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Vojdan) O,o V,v (Cub) چوب C,c U,u Z,z زاله (Zale)

مؤسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی که سالها با ارکستر انجمن موسیقی ملی همکاری داشت. خوانندگان دیگر ارکستر در زمان عاشورپور عبارت بودند از: جواد بدیع زاده، غلامحسین بنان، عبدالعلی وزیری و یحیی معتمد وزیری.

عاشور یولمه [Āsur Yolme]: (عاشور بخشی). از شاگردان، چاودیر بخشی موسیقیدان مشهور ترکمن صحرا که از ۱۶ سالگی، کار بخشی گری را آغاز نمود. او شعر می گفت و اشعارش را در دستگاه تشنید یا تجنيس به سبکهای: خيوه يولی و گرگان يولی، اجرا می کرد.

عاشیق حسین جوان [Āsiq Hoseyn Javān]: از عاشیق های معروف خوی در آذربایجان غربی.

عاشیق عسگر [Āsiq Asgar]: از عاشیق های مشهور خوی در آذربایجان غربی

عاشیق قریب [Āsiq Qarib]: از منظومه های غنایی عاشیقی که در آن قهرمان داستان به وصال معشوق میرسد و پس از رویا روئی با مشکلات بسیار، به زادگاهش باز میگردد.

عاشیقلار [Āsiqlār]: اثری در معرفی و آثار عاشیقی که توسط حسین محمدزاده صدیق تألیف و در سال ۱۳۵۳ خورشیدی به چاپ رسیده است. در این کتاب به کلیه مسائل عاشیقی اشاره شده و ادبیات عاشیقی سده نوزدهم و آثاری از آنان که در ادبیات عاشیقی مثمرتر بوده است. تشریح شده است.

عاشیق مهدی [Āsiq Mehdi]: از عاشیق های معروف خوی در آذربایجان غربی.

عالمی، سید کاظم [Seyyed-Kāzem Ālemi]: از فارغ التحصیلان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی در رشته آهنگسازی، دوره دوم، خرداد ۱۳۵۶ خورشیدی.

عالمی، صادق [Sādeq Ālemi]: از صدا برداران با تجربه و شاغل در ایران.

عالمی، کاظم [Kāzem Ālemi] آهنگساز، تنظیم کننده و نوازنده چیره دست ویلن که همکاری نزدیکی با هنرمندان خارج از کشور و خصوصاً آنهایی که در لس آنجلس زندگی می کنند، دارد.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن Iran ایران I,i Vojdan وحدان O,o V,v Cub جوب U,u C,c Zale زاله Z,z

کاظم عالمی در سال ۱۹۵۵ میلادی در تهران بدنیا آمد و از ۱۲ سالگی به فراگیری موسیقی پرداخت. او از فارغ التحصیلان رشته موزیک از USC (دانشگاه جنوب کالیفرنیا) میباشد. ایوان مداین از ساخته های زیبای این هنرمند گرانقدر است که در سال ۱۹۸۲ میلادی اجرا شده است. او سالها در ایران با ارکستر سنفونیک تهران همکاری داشت.

عالی آوازه [Āliāvāze]: خوش آواز، خوش خوان.

عالی شیرازی [Āli - e - Širāzi]: میرزا محمد شیرازی، معروف به نعمت خان عالی از شاعران سده یازده و اوائل سده دوازدهم است. خاندانش در شیراز به پزشکی اشتغال داشتند. دیوان قصیده و غزل او به شماره Add 16790 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

عالی نژاد، خلیل [Xalil Āllinejād]: خلیل عالی نژاد خواننده و نوازنده مشهور تنبور در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. او از سن ۱۶ سالگی نواختن تنبور را آغاز کرد. استاد او در ابتداء سید نادر طاهری بود و پس از او، آموزش خلیل عالی نژاد را؛ سید امراله شاه ابراهیمی و درویش امیرحیاتی و عابدین خادمی بعهده گرفتند. عالی نژاد در زمینه آواز، از زنده یاد میرزا حسین خادمی، بهره های بسیار گرفت. خلیل عالی نژاد، سالهای بسیاری در صحنه زندگی کرده، از این رو شیوه او در ارائه مقام های تنبور، از سبک حوزه صحنه پیروی می کند.

عالی نیشابوری [Ālli - e - Nisāburi]: میرزا ابوالمعالی متخلص به عالی در نیشابور بدنیا آمد. دیوان؛ قصائد و مقطعات و غزل و رباعی او بالغ بر سه هزار و سیصد بیت تحت شماره Add 16795 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

عالیه [Ālye]: از خوانندگان مشهور زن در دوران ناصری. روزی ناصرالدین شاه به خانمی بنام ماه نساء میگوید که دوازده دختر زیبا حاضر نماید و آنها را به موسیقیدانهای آن زمان سپرده تا انواع ساز و آواز را بیاموزند. این ۱۲ دختر ۲ سال تحت آموزش قرار میگیرند که یکی از آنها عالیه خانم است.

عامری، جواد [Javād Āmeri]: نوازنده چیره دست تیمپانی و از اعضاء ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی. جواد عامری در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن Iran ایران I,i وجدان (Vokdan) V,v O,o C,c U,u چوب (Cub) Z,z زاله (Zale)

کودکی به نواختن جاز و موسیقی نوین علاقمند شد. او پس از اتمام تحصیلات ابتدائی به هنرستان عالی موسیقی رفت و نواختن ویلن را نزد روبن صفاریان آغاز کرد. او بعدها تحت نظر واله ریک [Valerik] هنرمند رومانی به فراگیری تیمپانی پرداخت.

عامری فر، خسرو [Xosro Āmeri-far]: خسرو عامری فر در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

در جوانی به گوشه وردیف های آواز ایرانی آشنائی پیدا کرد و از کلاس و دانش استاد هائی چون؛ اسماعیل مهرتاش، محمود کریمی، نصراله ناصح پور، صدیف و کریم صالح عظیمی بهره برد. او با راهنمایی استاد عبدالله طالع همدانی و علی اکبر خان ثقفی روی آثار عارف کار کرده و کارهای چشمگیری ارائه داده است. خسرو عامری فر، خواننده و سرپرست گروه موسیقی مشتاق است.

عامری، هادی [Hādi Āmeri]: هادی عامری در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در خیابان ری تهران دنیا آمد. او در سال ۱۳۱۰ به هنرستان عالی موسیقی رفت و فراگیری ویلن را تحت نظر استاد غریب آغاز نمود و پس از چندی به گرفتن مشق تار از استاد علی نقی وزیری مشغول شد. او نواختن قره‌نی را در زمان تصدی غلامحسین مین باشیان از هنرمندان و استاد های چکسلواکی آموخت. هادی عامری از سال ۱۳۱۶ همکاری خود را با ارکستر سنفونیک تهران آغاز کرد. او سرپرست موزیک دانشکده افسری بود. در سال ۱۳۱۹ در سرچشمه تهران کلاس موسیقی دایر کرد و تا سال ۱۳۲۴ در آن محل به آموزش هنرجویان پرداخت. عامری بعدها بعنوان مدرس در هنرستان عالی موسیقی در زمان تصدی حسین دهلوی به کار اشتغال داشت تا اینکه بازنشسته شد.

عامل سلوکی، ابوالقاسم [Abolqāsem Āmel Soluki]: ابوالقاسم عامل سلوکی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در طوس مشهد بدنیا آمد. او از ۷ سالگی نزد استاد روح افزا به فراگیری موسیقی و نواختن تار پرداخت. ضمن نواختن تار، به سه تار نیز روی آورد. با فوت پدر، مخارج خانواده متوجه او شد و به شغل آرایشگری پرداخت. در ۱۵ سالگی در نواختن تار و سه تار تسلط کافی داشت. او از سازندگان تار و سه تار نیز میباشد.

عبادت [Ebādat] از مثنوی هایی که در آواز اصفهان اجرا میشود.



Ā,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vodan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

عبادی، احمد [Ahmad Ebādi]: استاد احمد عبادی در سال ۱۲۸۳ خورشیدی در خیابان ایران تهران دنیا آمد. پدرش آقا میرزا عبدالله، دومین فرزند آقای علی اکبر خان فراهانی است. احمد عبادی در هفت سالگی همراه با پدرش آقا میرزا عبدالله، ضرب میزد. آقا میرزا عبدالله، پس از چندی، ساز، سه تار را بدست او داد تا بنوازد و او آنقدر در نواختن این ساز، تمرین کرد تا جایگاه والای پدر را پُر نمود. احمد عبادی استاد مسلم سه تار، سالها از همکاران نزدیک داود پیرنیا در برنامه گلهای رادیو ایران بود. استاد احمد عبادی با تغییراتی که در فاصله سیم‌ها از صفحه کاسه سه تار ایجاد کرد، صدای سه تار را به شکل بسیار دل انگیزی در آورد.

استاد احمد عبادی در سال ۱۳۲۶ خورشیدی بنا به دعوت اسماعیل نواب صفا همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و نخستین اجرای او در مرداد ۱۳۲۷ بود. برادر بزرگ احمد عبادی، جواد نام دارد که در نواختن سه تار مهارت داشت و متأسفانه بر اثر از دست دادن انگشتان دست چپش از نواختن سه تار محروم شد. خواهران استاد عبادی؛ مولود عبادی، مادر مهندس هوشنگ سیحون و حاجیه ملوک خانم عبادی، مادر استاد جمشید شبیانی، آموزش سه تار برادر خود را بعهدہ داشتند. همسر استاد احمد عبادی، نصرت خانم، در سال ۱۳۵۸ خورشیدی بعلت سکنه مغزی چشم از جهان فرو بست.

عبادیان، حاج علی [Hāj-Ali Ebādiyān]: از عاشیق‌های معروف آذربایجان شرقی و استاد ایمران حیدری، عاشیق معروف ترک.

عبادی پور نصرت‌اله [Nosrat-ollāh Ebādi-pur]: نوازنده زبردست ترومبون در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ و از اعضای ارکستر سنفونیک تهران در سال ۱۳۳۶ خورشیدی.

عبادی، جواد [Javād Ebādi]: پسر بزرگ میرزا عبدالله که از تعلیمات پدر در امر موسیقی استفاده کرد ولی به خاطر آسیبی که به دستش رسید، از ادامه کار موسیقی محروم ماند و وارد خدمت دولتی شد.

عبادی، حمید [Hamid Ebādi]: خواننده مشهور ترانه سکینه دایقزی نای نای که اوج فعالیت او در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی بود.

عبادی، محمدعلی [Molammad Ali Ebádi]: نوازنده مشهور بالابان در آذربایجان.

عبادی، ملوک [Mluk Ebadi]: خواهر بزرگ استاد احمد عبادی که موسیقی را از پدرش میرزا عبدالله آموخت و پس از مرگ پدر آموزش سه تار برادرش احمد را به عهده گرفت. ملوک عبادی، مادر استاد جمشید شیبانی، هنرمند گرانقدر و شایسته است.

- -

عبادی، مولود [Molud Ebadi]: دختر بزرگ میرزا عبدالله و مادر استاد هوشنگ سیحون، آرشیتکت معروف ایران و رئیس سابق دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که در تار نوازی مهارت بسیاری داشت و به ردیف های پدر آشنا بود.

عباس صنعت [Abbás Sanwat]: بهترین شاگرد یحیی و برادر بزرگ جعفر صنعت است. او تار را استادانه میساخت و در تهیه آلات موسیقی به ویژه تار، سه تار و تشخیص معایب آنها استعداد خاصی داشت. عباس صنعت در سال ۱۳۴۲ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

عباس قمی، مرشد [Moršed Abbás Qomi]: از مرشدهای مشهور در تهران قدیم.

عباس، مرشد [Moršed Abbás]: مرشد عباس معروف به سره ای از مرشدهای مشهور تهران قدیم بوده است.

عباس، مارسفید [Marsefid Abbás]: نوازنده جاز که مدتها در کانادا به این کار اشتغال داشت و هم اکنون در لس آنجلس بسر میبرد. از عباس آلبومی بنام گوهر نایاب در دسترس میباشد.

عباسعلی [Abhás-ali]: پدر استاد مرتضی محجوبی.

عباسی، بتول [Batul Abbási]: لطفاً به روح انگیز نگاه کنید.

عباسی، حسن [Hasan Abbási]: آهنگساز فعال در تهران که از او موسیقی متن فیلم: گل بهار، ساخته تهمینه اردکانی با شرکت مهرانه مهین ترابی و مینا زرپور وجود دارد.

عبدالامیرخان [Abdolamirxân]: از خوانندگان قدیمی و همدوره با جواد بدیع زاده که از او صفحاتی بشرح زیر وجود دارد: سرود وطن، سرود پهلوی، عروسی دختر و الماس سیاه.

عبدالباقی (بختیاری) [Abdolbāqi Baxtiyāri]: سید عبدالباقی بختیاری، تعزیه خوان و معلم تربیت تعزیه خوان که در اصفهان دسته تعزیه مفصلی داشت. او به شکل عباس ظاهر میشده است. از شاگردان او میتوان به سید حسن شبیه اصفهانی اشاره کرد که بقول طاهر زاده، استاد آواز؛ از ردیف های موسیقی اطلاع کامل داشته و تحریر صدایش بسیار مطبوع بوده است.

عبدالجواد اصفهانی [Abdol-javād Esfehāni]: از شاعران و خوش نویسان عهد قاجاریه که در شعر به عنقا تخلص می کرده است. او از نوازندگان زبردست ضرب بود که تنها در مجالس بسیار خصوصی ضرب می نواخت.

عبدالجواد خراسانی [Abdol-javād Xorāsāni]: ریاضی دان، موسیقیدان و نوازنده چیره دست تار در زمان ناصرالدین شاه.

عبدالحسین تبریزی، [Abdol-hoseyn Tabrizi]: خواننده مشهور قدیمی و از شاگردان اقبال السطان است.

عبدالخالق اصفهانی [Abdol-xāleq Esfehāni]: نوازنده چیره دست نی و از شاگردان نایب اسداله است.

عبدالرافع هروی [Abdol-Rāfew Heravi]: ضیاءالدین عبدالرافع هروی، از شاعران اواخر سده ششم و پایان دوره غزنوی است. رساله او بنام جلالیه است که بنام خسرو ملک غزنوی (۵۵۵ - ۵۸۲ هجری) میباشد.

عبدالرحیم اصفهانی [Abdolrahim Esfehāni] سید عبدالرحیم اصفهانی از خوانندگان مشهور عهد قاجاریه و همدوره با زمان، برادر عیسی آقاباشی و میرزا حبیب اصفهانی (معروف به حبیب شاطر حاجی).

عبدالرحیم اصفهانی، سواد نداشت و غزلهایی را که می خواند توسط شخصی بنام؛ بنان الملک به او یاد

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Voklan) O,o V,v Cub) چوب (Cub) U,u Z,z زاله (Zāle)

داده میشده است.

او تنها خواننده‌ای است که طاهرزاده، روش او را قابل اقتباس دانسته است.

عبدالرحیم خان [Abdol-Rahim Xàn]: معاون دسته موزیک عبدالحسین میرزای فرمانفرما در عهد قاجار است.

رئیس دسته موزیک مذکور؛ سلیمان خان بود و دیگر معاون های او عبارت بودند از: انوشیروان میرزا و مجید حشمت دیوان.

عبدالرزاق قزوینی [Abdol-Razzāq Qazvini]: خواننده مشهور دستگاه شاه عباس بزرگ. شاه عباس خواندن شاهنامه را به او سپرد و سالی ۳۰۰ تومان برای او مستمری معین کرد. او در نیمه های سده یازدهم در اصفهان چشم از جهان فرو بست.

عبدالرسول [Abdol-Rasul]: خواننده ترانه های محلی - خراسانی که در تربت جام زندگی می کند.

عبدالصمدی، محمد [Mohammad Abdolsamadi]: از آهنگسازان فعال پیش از انقلاب و همدوره با حسین یوسف زمانی، مهیار فیروز بخت و حسین فرهاد پور.

عبدالعلی، تقی [Taqi Abdol-Ali]: تقی خان عبدالعلی از استاد های موزیک در لشگر ۱ تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۰ خورشیدی بود.

عبدالقادر مراغه‌ای [Abdol-Qāder Marāqei]: موسیقی شناس معروف که کتب بسیاری در مبانی موسیقی نوشته است، از آن جمله: جامع الالحان، شرح الادوار. کتاب الادوار، تفاوت الادوار و کتاب کنزالالحان که از بین رفته است و حاوی تصنیف و ترانه های عبدالقادر بوده است.

عبدالقادر مراغه‌ای در سال ۸۳۹ هجری برابر با ۱۴۳۵ میلادی چشم از جهان فرو بست. او موسیقیدان بزرگی بود از اهالی آذربایجان و در بغداد از نزدیکان سلطان جلایر بشمار میرفت. وقتی تیمور، بغداد را فتح کرد (۷۹۵ هجری) عبدالقادر را با خود به سمرقند برد. عبدالقادر، پیشوای خیل موسیقی شناسان عهد خود بود که در شعر شناسی و نقاشی هم سرآمد بود. جامع الالحان او در کتابخانه نوری ترکیه به شماره ۳۶۴۴ وجود دارد که سال تحریر آن ۱۴۱۵ میلادی است.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

مقاصدالاحان در سال ۱۴۱۸ میلادی برای فرزند شاهرخ شاه به رشته تحریر درآمده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه بادلیان آکسفورد لندن نگهداری میشود. تمام کتابهای عبدالقادر مراغه‌ای در موسیقی به زبان فارسی است. ولی چون: «کودانگت» و «روانه» ترجمه‌های عربی آنها را بررسی کرده اند، آنها را از آثار عرب میدانند!!!

عبدالمولی [Abdol-Molâ]: میرزا عبدالمولی، نویسنده چیره دست و همدوره با حسن سنتورخان، آقا مطلب، پدر محمد صادق خان، آقا غلام حسین، حسن خان کمانچه کش میرزا حسن، برادر بزرگ میرزا عبدالله و رضاقلی تجریشی، در عهد قاجاریه است.

عبدالوهاب، مرشد [Moršed Abdolvahhâb]: مرشد زورخانه حاج نقی جلودار بود که ۹۰ سال عمر کرد.

عبداله [Abdollah]: عبدالله خان، نوازنده مشهور تار در عهد قاجاریه و پدر اکبر فلوتی نوازنده فلوت و حسین هنگ آفرین، نوازنده سه تار است.

عبداله [Abdollah]: میرزا عبدالله پسر محمد صادق خان نوازنده چیره دست سنتور در عهد قاجاریه که خود نیز سنتور را بسیار زیبا می نواخت. محمد صادق خان، دو پسر داشت یکی بنام مطلب خان که او هم سنتور میزد و در جوانی درگذشت و دیگری. میرزا عبدالله.

عبداله، آقامیرزا [Aqâ-Mirzâ Abdollah]: آقا میرزا عبدالله، موسیقیدان بزرگ و پدر موسیقی سنتی ایران، پسر علی اکبر خان فراهانی نوازنده بزرگ و مشهور تار در عهد قاجاریه، در سال ۱۲۲۲ خورشیدی بدنیا آمد. اصول اولیه موسیقی را نزد برادر بزرگتر، میرزا حسن، فراگرفت و سپس از مکتب، ناپدریش، آقا غلام حسین بهره گرفت. علی اکبر خان فراهانی، صاحب سه پسر بود بنام های: میرزا حسن، آقامیرزا عبدالله و آقا حسین قلی.

آقا میرزا عبدالله باکمک سید احمد نامی، دستگاه های موسیقی ملی ایران را مورد تجدید نظر قرار داد و با ادغام بعضی از آنها درهم، هفت دستگاه مفصل و مستقل بوجود آورد. او شاگردان مشهوری تربیت کرد که علاوه بر فرزندانش، باید از: سید حسن خلیفه، میرزا مهدی خان صلحی، مهدی قلی هدایت، میرزا نصیر فرصت شیرازی، اسماعیل خان قهرمانی، سید علی محمد خان مستوفی، سید مهدی دبیری، حسین خان هنگ آفرین، حاج آقا محمد مجرد ایرانی، و مرتضی صبا نام برد. بعدها، ردیف های میرزا عبدالله، توسط

آ،ا A,a آد (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Vojdân) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

مهدی قلی خان هدایت و میرزا نصیر فرصت شیرازی بمدت هفت سال نت نویسی شد. یادگار میرزا عبدالله، استاد احمد عبادی است. پسر بزرگ او جواد است که در جوانی بعزت قطع انگشتان از موسیقی محروم شد. دو دختر او: ملوک و مولود نیز با موسیقی مأنوس بودند. استاد میرزا عبدالله در سال ۱۲۹۷ خورشیدی در سن ۷۵ سالگی درگذشت.

عبداله خان [Adlolláh Xán]: نوازنده چیره دست سنتور در عهد قاجاریه و از پسران محمد صادق خان نوازنده زبردست سنتور، سه تار و کمانچه.

عبداله میرزا [Abdollah Mirzá]: معاون موزیک دولتی در عهد قاجاریه. ریاست دسته موزیک دولتی در آن زمان با میرزا حسین خان بود.

عبداللهی، اصغر [Asqar Abdolláhi]: از تعزیه خوانهای معروف تهران در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی.

عبداللهی، جواد [Javád Ablolláhi]: از تعزیه خوانها و روضه خوانهای معروف تهران در ۵ سال گذشته.

عبداللهی، علی [Ali Abdolláhi]: از تعزیه خوانهای معروف تهران در ۵۰ سال گذشته.

عبداللهی، محمد جواد [Mohammad Javád Abdoláhi]: محمد جواد عبداللهی سال ۱۳۲۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. دوران متوسطه را در دبیرستان شرف به پایان رسانید. او در سال ۱۳۳۸ به هنرستان آزاد موسیقی ملی رفت و شش سال زیر نظر استاد جواد معروفی به آموختن پیانو پرداخت. او پس از چندی به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و نزد خانم خراطیان و خانم کارمن اوسوریو مشغول تحصیل شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته موسیقی شد. او سالهاست که به آموزش هنرجویان رشته پیانو می پردازد.

عبداللهی، میرزا عبدالله [Mirzá Abdolláh Abdoláhi]: از روضه و تعزیه خوانهای مشهور تهران، پیش از انقلاب.

عبدی بیک نویدی [Abdi Beyg Navidi]: خواجه زین العابدین شیرازی، از شاعران سده دهه

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وجدان O,o V,v (Cub) جوب C,c U,u Z,z زاله (Zale) A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خبام (Xayyam)

هجری است که در شعر به نویدی تخلص می کرده است. او بعدها تخلص عبدی را اختیار کرد. شمار شعرهای سروده شده توسط این شاعر از ده هزار بیت تجاوز می کند. از اثرهای مهم او: بوستان خیال است که در سال ۹۶۱ هجری سروده است.

عبدی یمینی [Abdi Yamini]: نوازنده زبردست پیانو، آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ که در لس آنجلس از فعالیت بسیار خوبی برخوردار است. عبدی یمینی با اکثر خوانندگان لس آنجلس خصوصاً با منصور، داریوش و معین همکاری نزدیکی دارد.

عبید زاکانی [Obeide Zākāni]: خواجه نظام الدین عبیداله قزوینی معروف به عبید زاکانی، از خاندان زاکانیان قزوین است که در اوایل سده هشتم در یکی از توابع قزوین چشم به جهان گشود. او شاعری طنز پرداز و خرافه ستیز بود که مفاسد اجتماعی، خصوصاً مذهبی آنرا با زبانی شیرین و به طریق هزل و شوخی در آثار منظوم و منثور خود بازگو می کرده است. در عصر عبید، ظلم و چپاول و فساد و فحشاء مذهبی در جامعه بیداد می کرده است، درست نظیر آنچه در جامعه امروز ایران با آن مواجه هستیم. او از بزرگترین لطیفه پردازان ایران است و کلیات او شامل منظومه ها و رساله های منثور است. منظومه موش و گربه، مثنوی عشق نامه و رساله های اخلاق الاشرف، ده فصل، دلگشا و صد پند از آثار این ادیب و خرافه ستیز بزرگ است. عبید در بین سالهای ۷۷۲ - ۷۶۸ چشم از جهان فرو بست.

عُبیدی سورو، احمد [Ahmad Obeidi-Suru]: احمد عُبیدی سورو، نوازنده تنبوره در سال ۱۳۴۸ خورشیدی بدنیا آمد. او از هنرمندان جوان بندر هرمزگان است.

عبیری، محمد علی [Mohammad Ali Abiri]: از صدا برداران و صدا گذاران فعال در تهران.

عتابی تکلو [Atābi Taklu]: حسن بیگ عتابی، پسر بخشی بیگ تکلو از شاعران سده دهم و یازدهم هجری است.

سال تولد او ۹۷۳ هجری و محل تولدش، هرات است، اما در قزوین رشد نمود و روزگار شهرتش مصادف بود با اقامت وی در اصفهان و در خدمت شاه عباس اول. مثنوی های این شاعر پُرکار عبارتند از: سام و پری، ایرج و گیتی و ساقی نامه.

عتابی نجفی [Atābi Najafi]: میر سید محمد عتابی نجفی از شاعران درگاه شاه تهماسب صفوی

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

است، که در سال ۱۰۰۰ چشم از جهان فرو بست. دیوان این شاعر شامل سه هزار بیت است.

عتب [Atb]: چوب های پهنی است که برای کشیدن تارهای عود از آن استفاده می کنند.

عثمانی، اله رسان [Allāh- Resān Osmāni]: از دو تار نوازان مشهور تربت جام خراسان.

عجب رود [Ajab Rud]: سازی است بادی شبیه بوق یا سورنا.

عجم [Ajam]: از الحان موسیقی مقامی گذشته که بصورت نوروز عجم ثبت شده است.

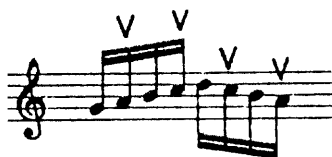
عجم عشیران [Ajam - e - Asirān]: از مقام های موسیقی قدیم ایران که امروز به صورت واژگان نوروز عجم یا بیات عجم و یا عشیران اجرا میشود.

عدالت، عنایت [Enāyat Edālat]: نوازنده چیره دست و قدیمی ویلن، همدوره با محمود ابروانی، دکتر حمید زاهدی و باقر نورین.

عدد گذاری [Adad Gozāri]: برای تشخیص سازش های روی باس، شماره هائی از اعداد برطبق اصولی بر روی نت های باس قرار میگیرد که این عمل را عدد گذاری میگویند.

گذاشتن عدد ۵ این معنی را میدهد که ؛ فاصله پنجم، بین نت پایه و بالاترین نت سازش است. گذاشتن عدد ۳، بیانگر حذف پنجم سازش و ابقاء تنها ۳ است. عدد ۵ خط خورده، برای سازش پنجم کاسته بکار میرود و معکوس اول سازش های سه بانگی با عدد ۶ و گاهی نیز با عدد ۳ که آنرا زیر ۶ میگذارند، تا نشان دهند که سازش از یک سوم و یک ششم تشکیل شده است.

عدل [Adl]: نوعی حرکت مضرب، در نواختن آلات موسیقی زهی - مضربی نظیر سنتور، و آن حرکت متعادل یک مضرب راست و یک مضرب چپ و وجه تسمیه آن، تعادل راست و چپ مضرب است.



آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

ز,ž زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) رات های (الفای) نوین برای درست خواندن

عذارى [Azâri]: نغمه‌ای در دستگاه شور.

عذارى، حسن [Hasan Azâri]: زنده یاد حسن عذارى از استادهاى هنرستان موسيقى تبریز در رشته تار ایرانی، که در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی در تبریز فعالیت داشت.

عذارى، محمد حسین [Mohammad Hoseyn Azâri]: نویسنده کتاب تاریخ ۵۰ ساله هنرمندان موسیقی ایرانی در آذربایجان.

عذرا [Azrâ]: یکی از مقام‌های موسیقی قدیم ایران که علی جرجانی، در شرح الادوار ارموی و معرفی دوره‌های ملایم، آن را جزو سی و دو مقام ذکر کرده است.

عراق [Arâq]: از نغمه‌های موسیقی مقامی گذشته ایران. عراق در شعر فارسی بطور مکرر آمده است و در ردیف موسیقی معاصر، از نغمه‌های وسیع و اصلی دستگاه ماهر، نوا و آواز افشاری است. در موسیقی امروز، شاهد عراق در دستگاه ماهر مطابق بر تنیک گام می‌نشیند و برای اجرای آن، درجه سوم گام، یک نیم پرده پائین می‌آید. شاهد عراق، در دستگاه نوا، درجه چهارم گام است. عراق در آواز افشاری نیز معمول است و در این حالت تنیک عراق با تنیک افشاری یکی است و درجه هفتم افشاری برای تساوی درجه هفتم عراق، نیم پرده بالا می‌آید.

عراق



عراق رومی [Arâq Rumi]: شعبه‌ای از موسیقی مقامی گذشته.

عراق مشابه [Arâq Mosâbeh]: گوشه‌ای از شعبه زابل در موسیقی قدیم ایران.

عراقی [Arâqi]: منسوب به عراق. گوشه‌ای در موسیقی و همنام سبکی در نوازندگی است.

عراقی [Arâqi]: شیخ فخرالدین همدانی فراهانی مشهور به عراقی از شاعران بزرگ ایران در سده هفتم هجری است. این شاعر در سن هفتاد و هشت سالگی در سال ۶۸۸ هجری درگذشت. دیوان شعر این

وات‌های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران (I, i) وحدان (Vojdan) O, o V, v (Cub) جوب (C, c) Z, z زاله (Zâle) X, x Y, y غرق (Qarq) Q, q جمع (Jamw) W, w J, j سرکش (Sarkes) S, s K, k \$, s آدم (Âdam) A, â A, a

شاعر حدود پنج هزار بیت دارد، که در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به سعی زنده یاد سعید نفیسی چاپ شده است.

عراقی سرمست [Arāqi Sarmast]: نوازنده مشهور نی و همدوره با عبدالخالق اصفهانی و نوائی.

عرب [Arab]: از گوشه های شور و نوا

عربانه [Arbāne]: سازی است کوبه‌ای که در ساختمان آن پوست بکار رفته است. بیشتر فرهنگها، آنرا دف دانسته اند.

عرب شاه [Arab Šāh]: عمادالدین عربشاه یزدی از دانشمندان و شاعران سده هشتم هجری است. او در زمان شاه یحیی، پسر مظفر بن امیر مبارزالدین میزیسته است. منظومه «مونس العشاق» این شاعر حدود یک هزار بیت دارد که بر وزن لیلی و مجنون نظامی سروده شده است.

عرشیا [Aršiā]: لطفاً به پهلوان، محمد رضا نگاه کنید.

عرشی دهلوی [Arši Dehlavi]: میر محمد مؤمن عرشی، متخلص به وصفی و مشهور به مشکین قلم از شاعران سده یازدهم است. نسبت او به شاه نعمت‌اله ولی میرسد. سال وفات این شاعر ۱۰۹۱ هجری است. کتاب او «مهر و وفا» نام دارد. که تحت شماره Supp 1100 در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

عرعر [ArAr]: در موسیقی کنایه از بد خواندن و بد آوازی بی ادبانه است.

عَرطَبَه [Artabah] سازی است رشته‌ای مقید از رده عود یا بریط

عرفانی، فیروز [Firuz Erfāni] نوازنده چیره دست ماندولین در مشهد.

عرفیان، اباذر [Abāzar Orfiyān]: خواننده مشهور آذربایجانی و همدوره با یداله زیوه و زنده یاد مصطفی پایان.

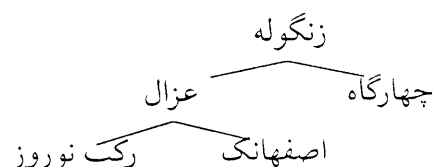
آدم (Adam) Ā,a A,a سركش (Sarkes) S,s K,k Š,š جم (Jamw) J,j W,w غرق (Qarq) Q,q خیام (Xayyām) X,x Y,y
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Voḡdān) V,v جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

عرفی شیرازی [Orfi Širāzi]: عرفی شیرازی از شاعران مشهور سده دهم هجری است که در ایران، هند و روم شهرت بسیاری داشت. در ۳۰ سالگی به بیماری آبله مبتلاء شد و چهره‌اش زشت گشت. این عمل باعث شد تا او ترک ایران را بگوید و به هندوستان برود. او در سن ۳۶ سالگی به سال ۹۹۹ هجری در لاهور چشم از جهان فرو بست. قصیده‌های این شاعر معروفیت بسزائی دارد. کلیات این شاعر چند بار در هندوستان و یک بار توسط کتابفروشی علمی در تهران چاپ شده است.

عروس [Arus]: از رقاصان مشهور دوره قاجاریه که با نواختن زنگ می رقصیده است. او در نواختن زنگ چپ چپ، مهارت بسیاری داشته است. از همدوره‌ای‌های او میتوان به اختر زنگی، زهرا، دختر احد و حشمت اشاره داشت.

عروض [Aruz]: عروض دارای معانی مختلفی است، ولی در علم شعر، دانش سنجش اوزان و میزان توازن اشعار است. امروزه، موسیقیدان میبایستی با اوزان شعر فارسی آشنائی داشته باشد.

عُزال [Ozzāl]: از شعبات بیست و چهارگانه در موسیقی مقامی گذشته. عُزال، شعبه‌ای است از مقام زنگوله بشرح زیر:



عُزال از تنیک گام شور آغاز میشود و پس از حرکت در یک دانگ پائین رونده، به دانگ بالا رونده بعدی متصل میشود.
عزال



Ā,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voddān) I,i ایران (Irān) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

عزت الملوک خانم [Ezzatol-mluk Xānom]: از خوانندگان قدیمی و همدوره با مادام سیرانوش و مهرآفاق خانم که از او صفحاتی توسط کمپانی هنیر مستر وُیس در سال ۱۳۱۰ خورشیدی ضبط و پخش شده است.

عزت و میرک [Ezzat-o-mirak]: از شترهای عشقی در موسیقی بلوچستان است. (شتر به داستان گوئی توام با موسیقی اطلاق میشود).

عزتی شیرازی [Ezzati Širāzi]: میرزا جانی عزتی شیرازی از شاعران سده یازدهم است که نسخه‌ای از دیوان شعر او به شماره 702 Supp در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود. کتاب او شامل یکهزار و یکصد بیت از غزل و رباعی و قطعه و مفردات، است.

عزریا، مردخای [Mardxāy Azryā]: نوازنده زبردست ضرب و کمانچه در دوران ناصرالدین شاه بوده است. او جد، سلیمان روح افزا (استاد تار) است.

عزیز [Aziz]: نوازنده مشهور تار و همدوره با آقامیرزا عبدالله و ضرب نواز زیر دست آن زمان؛ منشور.

عزیزآبادی فراهانی، فرج اله [Farajollāh Azizābādi Farāhāni]: از صدا برداران و صدا گذاران شاغل در تهران.

عزیزبگ [Aziz Bag]: خواننده مشهور و نابینای لرستان و از طایفه چگینی که با دریافت ده شاهی تا یققران به شاگردانش آوازی را یاد میداد. سالهای فعالیت عزیزبگ در لرستان پیش و بعد از سالهای ۱۳۱۵ خورشیدی بود. عزیزبگ در سال ۱۳۲۸ خورشیدی فوت نمود.

عزیزپور، حسین [Hoseyn Aziz-pur]: حسین عزیزپور در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در روستای شهرآبادگرد از توابع بجنورد خراسان بدنیا آمد. او از خوانندگان معروف شمال خراسان بشمار میرود.

عزیزخانی، جمشید [Jamšid Azizxāni]: از خوانندگان مشهور کرمانشاهی و همدوره با اسماعیل پیرخدری، حشمت‌اله لرنژاد، منوچهر طاهرزاده و حسین البرزی.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkeš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Voddan) V,v O,o C,c U,u چوب (Cub) Z,z زاله (Zāle)

عزیززاده، لطفاله [Lotfollāh Azizzāde]: سازنده مشهور سنتور در بروجرد.

عزیز عطا، [Aziz Atā]: دسته مطرب دوران ناصری که سرپرست این گروه خواننده و رقصه ماهری بود.

عزیزی، احمد [Ahmad Azizi]: از تعزیه خوانهای معروف تهران در ۵۰ سال گذشته.

عسجدی [Asjodi]: ابونظر عبدالعزیز عسجدی از شاعران بزرگ عهد سلطان محمود غزنوی است. سال وفات او را پس از ۴۳۲ هجری قید کرده اند. ابیات این شاعر در کتب ادبی پراکنده آمده است.

عسکریان، ذوالفقار [Zolfiqār Askaryān]: نوازنده مشهور دوتار در خراسان که جایگاه ثابتی نداشت و همواره در سفر بود. دو تار که در تربت جام نواخته میشود، معمولاً هشت یا نه پرده دارد، اما ذوالفقار عسکریان با دو تار، ۱۴ پرده ای می نواخت.

عسگر پور چنگیز [Cangiz Asgar - Pur]: چنگیز عسگر پور، نوازنده مشهور فلوت در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در بابل بدنیا آمد، در دو سالگی، همراه با والدینش به تهران آمد. در کودکی با ساختن نی شروع به نواختن آن نمود و در پایان تحصیلات ابتدائی به هنرستان عالی موسیقی که ریاست آن با کلنل وزیری و در لاله زار، کوچه خندان قرار داشت رفت.

استاد فلوت آن زمان، شخصی بود بنام «دولگف» که اسپانیائی بود. عسگر پور، بمدت ۹ سال در ارکستر انجمن موسیقی ملی، همراه با بزرگانی چون ابوالحسن صبا، ابراهیم منصوری، مهدی مفتاح، حسین بیگلری، حسین علی ملاح، موسی معروفی و حسین تهرانی، به نوازندگی فلوت پرداخت. عسگر پور در سال ۱۳۲۲ خورشیدی، همکاری خود را با رادیو ایران آغاز نمود و با ارکسترهای: مهدی خالیدی، اکبر محسنی، عباس شاپوری، علی محمد خادم میثاق و برنامه های ارتش و کارگران همکاری نزدیکی داشت. او در سال ۱۳۲۴، اقدام به تأسیس آموزشگاه موسیقی بنام هنر در خیابان نادری نمود.

عسگر پور علاوه بر تدریس در کلاس موسیقی خود. بمدت ۸ سال در مدرسه عالی دختران تدریس کرد. او بیش از ۳۰ آهنگ برای خوانندگان و موسیقی متن فیلم ساخته است. آوازه شهرت چنگیز عسگر پور در کشورهای عرب زبان بیش از ایران است. او سالها از همکاران نزدیک: محمد عبدالوهاب، عبدالحلیم حافظ، یوسف وهبی، فریدالاطرش، عمر شریف، احمد رمزی، ام کلثوم، فیروز و ودیع صافی بوده است. عسگر پور ۶۰ سال است که در صحنه موسیقی ایران فعالیت چشمگیر دارد.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub)

عسگر زاده، یداله [Yadolláh Asgarzáde]: یداله عسگر زاده در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در شهر بیجار کردستان بدنیا آمد. او بعدها به تهران آمد و تحت تعلیم استاد رضا ورزنده بمدت دو سال قرار گرفت، سپس به کلاس استاد حسین ملک رفت و دو سال دیگر، ردیف ها و گوشه های موسیقی ایرانی را آموخت.

عسگری بیدهندی، حسن [Hasan Asgari Bid-hendi]: حسن عسگری بیدهندی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۴۷ در آزمون استخدامی رادیو شرکت کرد و پس از طی دوره های لازم، همکاری خود را با این سازمان آغاز کرد. او علاوه بر کار رادیو تلویزیون در استودیوهای خصوصی نیز بکار ضبط موسیقی فیلم مشغول میباشد.

عسگری، حاتم [Hátam Asgari]: حاتم عسگری، استاد قدیمی آواز، در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در روستای فراهان، از توابع حاتم آباد تفرش بدنیا آمد. او در سال ۱۳۲۵ به تهران آمد. پدر او از تعزیه خوانهای معروف اراک بود.

اولین استاد او، ضیاءالذاکرین بود که نزد او بمدت ۱۱ سال به فراگیری موسیقی و آواز پرداخت. سپس بمدت چهار سال تحت آموزش حسین علی خان تفرشی، معروف به نکيسا قرار گرفت. یکسال از کلاس زنده یاد عبدالله خان دوامی فیض برد و بمدت ۲۰ سال از اطلاعات زنده یاد سلیمان خان امیرقاسمی بهره گرفت. حاتم عسگری، سالها از شاگردان ادیب خوانساری بود.

عسگری، حسین [Hoseyn Asgari]: از صدابرداران سازمان رادیو تلویزیون در تهران.

عشاق [Oššâq]: یکی از مقام های دوازدهگانه موسیقی قدیم ایران و مورد تذکر فارابی، که موسیقی شناسان عرب و ترک، آنرا مبنای موسیقی خود میدانند. عشاق دارای دو شعبه زابل و اوج است. عشاق در موسیقی امروز ایران، از گوشه های اصلی و مهم دستگاه های: راست پنجگاه، نوا، همایون و آواز دشتی است و در راست پنجگاه، عشاق، پس از پنج گاه و سپهر اجرا میشود. در همایون، نغمه ای است گرایش دهنده ملودی یا آهنگ به شور. بدین معنی که پس از نواختن بیداد، با نغمه عشاق وارد شور میتوان شد. عشاق، نغمه ای بسیار دل پذیر در اوج آواز دشتی است.

عشاق جدید [Oššâq - e - Jadid]: گوشه ای است در دشتی، اصفهان یا عاشوراوندی.

آ,â A,a آدم (Adam) Š,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdân) V,v جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zâle) Z,z

عشاق ضربی [Oššâq - e - Zarbi]: گوشه ای است در دستگاه ابوعطا.

عشاق، فروشگاه [Frušgâhe Oššâq]: فروشگاه لوازم، ادوات و آلات موسیقی در تهران پارس که در سال ۱۳۶۷ توسط هنرمند گرانقدر علی محمد عظیمی، سازنده سنتور تأسیس شد.

عشاق قدیم [Oššâq - e - Qadim]: لحنی است در دستگاه اصفهان.

عشقی، سید محمد رضا [Seyyed Mohammad Rezâ Ešqi]: سید محمد رضا میرزاده عشقی، فرزند سید ابوالقاسم گوردستانی در سال ۱۳۱۲ هجری در همدان بدنیا آمد. او بعدها در سال ۱۳۳۳ هجری در همدان روزنامه‌ای بنام «نامه عشقی» انتشار داد. اشعار این شاعر آزادیخواه علیه وثوق الدوله، نخست وزیر و عاقد قرارداد معروف و منحوس ایران و انگلیس بود. شاعر این قرار داد را معامله فروش ایران به انگلستان نامیده بود. بدستور وثوق الدوله، عشقی مبارز به زندان می‌افتد. تمامی اشعار این شاعر در نكوهش از استبداد خلاصه میشود. از معروفترین اشعار او کفن سیاه است که از حمله اعراب به ایران و تاراج تخت و تاج ساسانی دل پُرخون او را می شکافد.

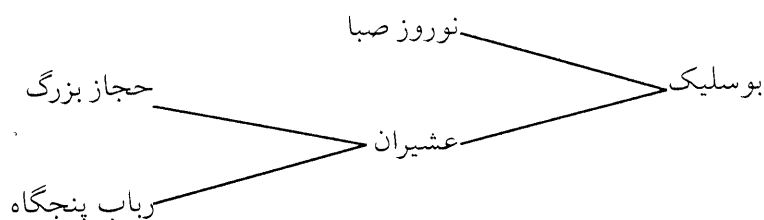
عشقی، فروشگاه [Frušgâhe Ešqi]: مرکز ضبط و پخش صفحه در لاله زار در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی. این مؤسسه، صفحاتش را برای تکثیر به شرکت اورپول انگلستان میداد.

عشقی، محمد [Mohammad Ešqi]: از سه تار سازان معروف و شاگرد سیدجلال. او آخرین استاد بنام سازنده سه تار است، که سالها در خیابان مقصودبک، کوچه ثقفی شمیران در دهه خود زندگی می‌کرد.

عشقی در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او هفت سال تحت نظر سیدجلال بود و پس از مرگ استاد، هفت سال دیگر در کارگاه آقا ضیاء به تارسازی پرداخت. او ویلن، تار و سه تار میساخت. نویسنده دانشنامه هر روز جهت رفتن به دبیرستان از مقابل دهه استاد عشقی که جنب تولیدی لبوی شمیران در زمستان و محلی برای تجمع گردو فروش های شمیران در فصل تابستان بود رد میشده است.

عشیرا [Aširâ]: شعبه پنجم از شعب بیست و چهارگانه موسیقی قدیم ایران.

عشیران [Asirán]: در موسیقی قدیمی ایران، یکی از دو شعبه، منشعب از مقام بوسلیک بوده است.



عشیران



عَصَّار تبریزی [Assár Tabrizi]: مولانا شیخ محمد عَصَّار تبریزی از شعرای سده هشتم هجری است که در شعر، تخلص او، عَصَّار بوده است. مثنوی معروف: مهر و مشتری از این شاعر است.

عَصَّار، غلیرضا [Alirezâ Assâr]: از خوانندگان مشهور روز که در تهران فعالیت دارد. علیرضا عَصَّار در کنار حرفه خوانندگی به آهنگسازی نیز اشتغال دارد.

عصامی [Assâmi]: خواجه عبدالملک عصامی، از شاعران پارسی گوی هند در سده هشتم هجری است. منظومه مفصل این شاعر: «فتوح السلاطین» نام دارد. تاریخ ولادت این شاعر ۷۱۱ هجری است و از تاریخ مرگ او اطلاعاتی در دست نیست.

عصمت الدوله [Esmat-ol-dolle]: دختر ناصرالدین شاه که در نواختن پیانو مهارت داشت. او پیانو را با واسطه کنیزی بنام تبسم از محمد صادق خان سرورالملک آموخته بود.

عصمت بخاری (نصیری) [Esmat Boxâri]: خواجه فخرالدین عصمت اله بن مسعود بخاری از شاعران اوایل عهد تیموری است. او تحصیلات خود را در بخارا آغاز کرد. او نام عصمت را که جزو اسم او میباشد، بعنوان تخلص برگزیده بود، ولیکن لقب شعری او نصیری بود. این شاعر سالها در خدمت میرزا نصیرالدین خلیل سلطان بن میرانشاه بن تیمور بود. تاریخ وفات این شاعر ۸۴۰ هجری است. اشعار دیوان او حدود هفت هزار و پانصد بیت دارد. غزلهای این شاعر معروف است.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زانه (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (النای) نوین برای درست خواندن

عطا [Atā]: خواننده قدیمی که خواندن را از جوانی و در رادیو مشهد آغاز کرد و اینک در لس آنجلس زندگی می کند. عطا از فعالیت خوبی در موسیقی برخوردار است. از کارهای عطا میتوان به آلبوم: الله، کار مشترک او با مسعود امینی و شهرما اشاره داشت.

عطار [Attār]: فریدالدین ابوحامد عطار کدکنی نیشابوری، شاعر و عارف نام آور ایران در سده ششم و آغاز سده هفتم هجری است. عطار در سال ۵۳۷ هجری در کدکن نیشابور بدنیا آمد و در جوانی شغل پدر که دارو فروش بود را پیشه خود قرارداد.

معروف ترین کتاب عطار، تذکرة الاولیا است. کتب دیگری چون: اسرار نامه، الهی نامه، مصیبت نامه، بلبل نامه، حیدرنامه، مختار نامه، شاهنامه و... از کتب نظم او است. قصاید و غزلیات او بالغ بر یکصد هزار است. از معروفترین مثنوی های عطار؛ منطق الطیر است که بالغ بر ۴۶۰۰ بیت دارد. عطار در سال ۶۲۷ هجری چشم از جهان فرو بست.

عطاردی [Atārodi]: امام ابو عبدالله عبدالرحمن بن محمد عطاردی از شاعران عهد یمن الدوله محمود غزنوی است.

عطار، سیدرضا [Seyyed - Rezā Attār]: از خوانندگان مشهور اواخر دوران قاجاریه و اوایل عصر پهلوی که در همدان به شغل عطاری اشتغال داشته از این رو به سید رضا عطار معروف است.

عطار، محمد حسین [Mohammad Hoseyn Attār]: نوازنده چیره دست سنتور که در تهران فعالیت دارد.

عطارها، وحید [Vahid Attārha]: وحید عطارها، نوازنده زبردست ضرب، در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در کودکی، علاقه فراوانی به نواختن ضرب داشت. در سال ۱۳۶۰ به کلاس زنده یاد امیرناصر افتتاح رفت و از محضر او و دیگر استادها ضرب، بهمن رجبی و مرتضی اعیان بهره برد. او مدتی با رادیو تلویزیون همکاری داشت ولی این همکاری را قطع نمود و امروز بطور خصوصی به تعلیم شاگرد اشتغال دارد.

عطار همدانی [Attār Hamadāni]: زین الدین محمد زنجانى همدانى، معروف به عطار همدانى از
 A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکنى (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

شاعران سده هفتم و هشتم هجری است که در سال ۷۲۷ بقتل رسید. از او چهار مثنوی بدین شرح باقی مانده است: مفتاح الفتوح با ۱۲۰۰ بیت. ترجمه الاحادیث شامل دو هزار بیت. کنزالحقایق، با هشت صد بیت و کنزالاسرار.

عطاء بن یعقوب [Atāw ebn Yawqub]: معروف به «ناکوک» از شعرای ایران در دوره دوم غزنویان و معاصر سلطان ابراهیم غزنوی بوده است. سلطان ابراهیم بخاطر رنجشی که از او داشت، او را از کارهایش برکنار کرد و عطا ابن یعقوب به هندوستان رفت و بیش از هشت سال در لاهور بود. سال درگذشت او ۴۹۱ هجری بوده است. کتابهای معروف این شاعر: برزنامه و بیژن نامه است. برزنامه به تقلید از شاهنامه نوشته شده. این کتاب در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود. منظومه حماسی؛ بیژن نامه دارای ۱۹۰۰ بیت است.

عطائی، محمد علی [Mohammad Ali Atāwi]: استاد سازنده تار و همدوره با سیروس ساغری، عباس امیر رضوانی و استاد حسین ملک.

عظام [Ezām]: از فواصل موسیقی قدیم، فاصله‌ای بوده است، بیش از اکتاو و یا فاصله‌ای که از هنگام تجاوز کند، و در موسیقی امروز یک فاصله ترکیبی است.

عظیما، آذر [Āzar Azimā]: از خوانندگان قدیمی پیش از انقلاب و همدوره با سیمین غانم، پروین، ناهید و رویا.

عظیمی، امیر [Amir Azimi]: آهنگساز قدیمی که همکاری نزدیکی با آفت داشت. از نمونه کارهای او میتوان به: شب جمعه و بازو طلائی اشاره داشت. امیر عظیمی در کنار آهنگسازی به ترانه سرایی نیز اشتغال داشت و ترانه هائی چند از او توسط تاجیک اجرا شده است.

عظیمای نیشابوری [Azimāye Nishāburi]: ملا عظیمای نیشابوری متخلص به عظیم از شاعران سده یازدهم است که اثر معروفی بنام «فوز عظیم» دارد. دیوان اشعار این شاعر تحت شماره Add 7779 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

عظیمی، علی محمد [Ali Mohammad Azimi]: علی محمد عظیمی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در گلپایگان بدنیا آمد. در کودکی به نواختن تمپو می پردازد. صدای سنتور را از رادیو می شنود و به کارگاه نجاری بنام حسین عظیمی میرود و در آنجا شروع به کار می کند و اولین ساز سنتور خود را در این کارگاه میسازد.

عظیمی در سال ۱۳۶۰ به تهران آمد و از ۱۳۶۶ بطور رسمی به ساخت سنتور اقدام کرد. مغازه او بنام عشاق در تهران پارس قرار دارد. علی محمد عظیمی در کنار حرفه ساخت سنتور، یکی از سنتور نوازان برجسته است که سالها شاگردی استاد مسعود شناسا را کرده است.

عظیمی نژاد، آریا [Ariā Azimi-Nejād]: نوازنده چیره دست سه تار و از همکاران نزدیک علیرضا عصار و فؤاد حجازی.

عفیفی، عباس [Abbās Afifi]: دکتر عباس عفیفی، خواننده ترانه های محلی شیرازی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۸ خورشیدی.

عقده گشا [Oqde Gošā]: از نغمات دستگاه شور که بنام، شهناز، یا عاشق سرکش هم معروف است.



عقیلی، شادمهر [Šād-Mehr Aqili]: خواننده، آهنگساز، نوازنده؛ ویلن، گیتار، پیانو، کی بورد و تنظیم کننده آهنگ که در تهران فعالیت دارد. از این هنرمند جوان میتوان به آلبومهای: بهار من و فصل آشنائی اشاره داشت.

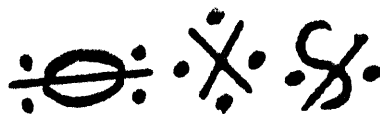
عقیلی، محمد رضا [Mohammad Reza Aqili]: نوازنده چیره دست ترومپت و همکلاس با محمد رضا شجریان، جمال وفائی و محمد منتشری که از زنده یاد استاد اسماعیل مهرتاش آموزش موسیقی را گرفت.

عقیلی، هوشمند [Hušmand Aqili]: خواننده خوش صدا و صاحب سبک که اولین بار توسط خانم دلکش در کلوب فانوس در تهران معرفی شد. او سالهاست که می خواند و اینک در لس آنجلس از فعالیت خوبی برخوردار است.

علامت اکتاو [Alámate Oktáv]: اگر در بالای قسمتی از یک قطعه موسیقی. علامت 8va Sopra گذاشته شود. تاجائیکه نقطه چین در دنباله آن وجود دارد، بایستی تمام نت های آن را در یک اکتاو بالاتر اجرا نمود. و چنانچه علامت 8va bassa در پائین آن باشد، اجرای نت ها در یک اکتاو پائین تر بایستی صورت گیرد.

علامت میزان [Alámate Mizàn]: عدد کسری که اول قطعه موسیقی، بعد از کلید میگذارند و نشان دهنده تقسیمات واحد ضرب در هر میزان است.

علامت های اعاده [Alámathāye Eāde]: (Signs Renovi): در برگشت های طولانی از علامت های زیر استفاده میگردد:



این علامت ها را یکی در اول و دیگری را در آخر قسمتی که باید تکرار شود میگذارند.

علامت های ترکیبی [Alámathāye Tarkibi]: علائمی هستند که در ابتدای قطعه موسیقی بعد از کلید بر روی حامل قرار میگیرند. صدای نت ها تا عدم تغییر مجدد اصواتشان بوسیله علامت های دیگر، تا انتهای قطعه، از این علائم پیروی می کند.

علامت های تغییر دهنده [Alámathāye Taqyirdahande]: علامت هایی هستند که پیش از نت (سمت چپ) قرار گرفته و صدای آنها را به اندازه نیم پرده و یا دو نیم پرده کروماتیک بالا و پائین میبرند. این علائم عبارتند از: دیز (#)، بمل (b)، دابل دیز (x)، دابل بمل (bb) و بکار (b). لطفاً برای آگاهی بیشتر به هر کدام از علائم اشاره شده نگاه کنید.

علامت های عرضی [Alámathāye Arzi]: علامت هایی که در نت نویسی، پیش از نت های مورد نظر اگر قرار گیرد، اصوات آنها را بگونه موقت، به اندازه یک یا دو نیم پرده کروماتیک (یا ربع پرده) بالا و

آدم (Adam) A,a A,a Jamw جمع (Jamw) W,w Sarkes سرکش S,s K,k I,i Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

ایران (Iran) I,i V,v O,o وحدان (Vojdan) C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zale) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

Ā,a Ā,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u حوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Irān) وات های (الفای) نویین برای درست خواندن

علی اکبر فراهانی [Ali Akbar Farāhāni]: نوازنده معروف تار در بارگاه ناصرالدین شاه قاجار که بی اندازه، مورد تشویق و محبت شاه بوده است. زندگی این هنرمند: درآسایش و آرامش مطلق بوده است. علی اکبر خان فراهانی عمر طولانی نکرد. او تار مخصوصی داشت بنام: قلندر. علی اکبر خان، پدر دوتن از بزرگان موسیقی ایران یعنی؛ آقامیرزا عبدالله و آقا حسینقلی است.

علی بابا [Ali Bābā]: کم‌دینی که کار خود را با پیش پرده خوانی در جامعه باربد به سرپرستی اسماعیل مهرتاش آغاز کرد. پیش از انقلاب از معروفیت و محبوبیتی برخوردار بود و در حال حاضر از او فعالیتی مشاهده نمی شود. علی بابا، هم‌دوره با زنده یاد علی تابش در جامعه باربد بود.

علی پناه، کورش [Kuroš Ali-Panāh]: موسیقیدان، آهنگساز، تنظیم کننده و از فارغ التحصیلان دانشگاه موسیقی Peabody آمریکا.

علی پور، فرج [Faraj Ali-pur]: فرج علی پور، خواننده و نوازنده مشهور کمانچه در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در لرستان بدنیا آمد. از ۷ سالگی نواختن کمانچه و خواندن آوازهای لُری را آغاز کرد. علی پور، علاوه بر نواختن کمانچه و خواندن، در کارگاه ساز سازی خود به ساختن کمانچه و تنبک نیز اشتغال دارد.

علی پور، کامل [Kāmel Ali-pur]: آهنگساز و نوازنده چیره دست سه تار و از فارغ التحصیلان دانشکده موسیقی به سرپرستی استاد هرمز فرهنگ. کامل علیپور، سالها در کانادا به فعالیت اشتغال داشت و در حال حاضر ساکن لس آنجلس میباشد. از آثار او میتوان به: دیرآمدی، بنال ای دل، نمیدونی چه سخته، درویشان، ای رفیقان طریقت و الهی دشمنت را خسته ببینم با صدای پروانه امیر افشار میتوان اشاره داشت. کامل علی پور سالها با خواننده‌ای بنام شایسته ظلی همکاری داشت و این همکاری در حال حاضر قطع شده است.

علی پور، منیژه [Manige Ali-pur]: آهنگساز و از فارغ التحصیلان دانشکده موسیقی به سرپرستی استاد هرمز فرهنگ در پیش از انقلاب. منیژه علی پور با هنرمندان صاحب نام زیر هم‌دوره بود: حسین عزیزاده، محمد رضا لطفی و کامل علیپور.

آ,ā A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وچدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

علی جان [Ali Jân]: از کمانچه نوازان معروف دوره قاجاریه است. او بعدها به شیراز رفت و نزد قوام‌الملک شیرازی مقیم آن شهر گشت.

علیجان، مرشد [Moršed Ali-jân]: مرشد علیجان معروف به علی جان گنده، مرشد زورخانه عودلاجان بود.

علیجان، مرشد [Moršed Alijân]: مرشد زورخانه سه راه دانگی که صاحب آن اکبر خان پامناری بود.

علی چی، سعید [Sawid Ali-ci] نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان ممتاز استاد فرامرزی پاپور.

علی حسن [Ali Hasan]: مشهدی علی حسن از نوازندگان مشهور کمانچه در عهد قاجاریه است. او با حسین معروف به کریم کور و میرزا غلامحسین، پدر سماع حضور، هم‌دوره بود.

علی خان [Ali Xân]: سید علی خان، نوازنده فلوت و رئیس موزیک خراسان در عهد قاجاریه

علی خان [Ali Xân]: معروف به نایب السلطنه، از نوازندگان مشهور نی و خواننده نامی دوره ناصرالدین شاه می‌باشد.

علی خانی، حسن [Hasan Ali-xâni]: حسن علی خانی سازنده سازهای اصیل ایرانی در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در منیریه تهران بدنیا آمد. اولین ساز تار خود را در سال ۱۳۵۸ ساخت. او علاوه بر تار، سه تار نیز می‌سازد و ادوات موسیقی که او می‌سازد مورد استفاده استادهایی چون: احمد عیادی، محمود تاج بخش و جلیل شهناز قرار گرفته است. او سازهای خود را به آلمان، فرانسه و آمریکا صادر می‌کند.

علیزاده، بیژن [Bijan Alizâde]: خواننده و نوازنده زبردست بربط (عود) در خوزستان.

علی زاده، حسین [Hoseyn Alizâde]: حسین علیزاده در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پس از تحصیلات متوسطه به هنرستان عالی موسیقی ملی رفت و پس از آن از دانشکده هنرهای زیبا

آدم (Adam) A,a A,a Jamw جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) Sarkes سرکش (Sarkes) J,j W,w Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

ات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران (Iran) I,i وحدان (Vokdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد (۱۳۵۳). حسین علیزاده از استادهایی چون: علی اکبر شهنازی، داریوش صفوت، هوشنگ ظریف، حبیب‌اله صالحی، نورعلی خان برومند، محمود کریمی، عبدالله دوامی، یوسف فروتن و سعید هرمزی، موسیقی را آموخت. او در سال ۱۳۴۷ در ارکستر رودکی به سرپرستی استاد حسین دهلوی، فعالیت هنری خود را آغاز نمود. او از سال ۱۳۴۹ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی به عنوان تکنواز و سرپرست گروه کنسرت‌هایی را در داخل و خارج و کشور اجرا کرد. با اقدام به تشکیل گروه عارف و همکاری با گروه شیدا، نقش ارزنده‌ای در شناساندن و اشاعه موسیقی نئی ایران ایفا کرد. از آهنگهای این هنرمند گرانقدر میتوان به: نی نوا، حصار، سواران دشت امید، ترکمن، نوروز، فانتزی، سرودهای آذربایجان، پاسبان حرم دل، امید عشق، خاموشی، و الا ای پیر فرزانه اشاره داشت. در مرداد ماه ۱۳۵۵ نوشته‌ای از او بنام: نگرشی نوین در باره دستگاه نوا. انتشار یافت که حاوی نکات بسیار جالب و نوئی است.

حسین علیزاده در زمینه ساخت موسیقی فیلم نیز دارای تجربی است از آن جمله: دل شدگان و گبه.

علی زاده، محمد [Mohammad Alizade]: نوازنده چیره دست ضرب و از هنرمندان ایل قره پایاغ است. پدر و پدر بزرگ او نیز از جمله نوازندگان سرشناس شهرستان نقده بوده‌اند.

علیزاده، نوراله [Nurollah Alizade]: خواننده مشهور مازندرانی که از او آلبوم: آفتاب ته (تیغ آفتاب) با همکاری خواننده خوش صدای مازندرانی ابوالحسن خوشرو در دسترس میباشد.

علی شاهی، علی [Ali Ali-Shahi]: آرشیویست موسیقی اصیل ایرانی، که در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در شهر بروجن دنیا آمد. او در سال ۱۳۵۰ به تهران آمد و از همان سال مشغول جمع آوری نوارهای ریل و کاست موسیقی ایرانی شد. در سال ۱۳۵۷ با کمک شاهرخ نادری اقدام به تنظیم آنها کرد و اکنون صاحب گنجینه‌ای از موسیقی ایرانی است.

علی قلی، محمد رضا [Mohammad Reza Ali-Qoli]: آهنگساز فعال پس از انقلاب که در زمینه ساختن موسیقی متن فیلم از پرکارترین هنرمندان این رشته میباشد. در زیر به نمونه‌هایی از کارهای او اشاره میشود:

بازجویی یک جنایت، ساخته محمد علی سجادی. یاد، ساخته عباس شیخ بابائی. میلاد، ساخته ابوالفضل جلیلی. شهر موشها، ساخته علی طالبی. مدار بسته، ساخته رحمان رضائی. تنوره دیو، ساخته کیانوش عیاری. بهار، ساخته ابوالفضل جلیلی. خط پایان، ساخته علی طالبی. جدال، ساخته محمد علی

آ،ا Adam (A,a) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

سجادی. و چند فیلم دیگر.

علی کاشی [Ali Kāsi]: آقا علی کاشی، خواننده مشهور و صاحب نام دوره قاجاریه و همدوره با خوانندگان دیگری چون: میرزا حسن کاشی (معروف به حسن فکلی)، رضاقلی تجریشی و سید زین العابدین قراب.

علی گرده، عاشیق [Āsiq ali-kordeh]: از عاشیق های قدیم نقده که در حال حاضر در روستای محمدیار نقده زندگی می کند.

علی محمد [Ali Mohammad]: آخوند ملاعلی محمد، ریاضی دان مشهور دوره قاجاریه که در موسیقی نظری صاحب اندیشه بوده است.

علی محمد، الله حضور [Allāh-Hozur Ali Mohammad]: از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه که به تمامی ردیف و گوشه های موسیقی آشنا بود. او در عهد فتح علیشاه میزیست و برای او می خواند.

علی مراد، جمشید [Jamsid Ali-Morād]: خواننده خوش صدا و قدیمی که با تشکیل گروه اعجوبه ها در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به شهرت رسید. جمشید علی مراد در حال حاضر به عنوان خواننده بین المللی در آمریکا فعالیت دارد. ترانه های ماندگاری از او نظیر: شکار آهو، پونه، من از اون چشات میترسم، بادبادک، تو همونی، روز، دلباخته و تنهایی بجا مانده است.

عماد [Emād]: نوازنده معروف سنتور در عهد قاجاریه که با شیخ محمود خزانه همکاری داشت. آندو در عهد ناصرالدین شاه میزیسته اند.

عماد خراسانی [Emād Xorāsāni]: عمادالدین حسین برقی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد.

در سه سالگی مادر و در شش سالگی پدرش را از دست داد. در بزرگی ازدواج نمود پس از ۸ ماه، همسرش را از دست داد. در سال ۱۳۳۱ به تهران آمد و تخلص «شاهین» را انتخاب نمود ولی بعدها عماد را برگزید و او از بهترین غزل سرایان معاصر بشمار می آید. عماد، بیش از سی هزار بیت؛ قصیده، غزل، مثنوی، قطعه

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Vojdan) V,v O,o وچوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

و اشعار نو دارد. غزلیات او بسیار معروف است. او اعتقاد خاصی به خیام و حافظ داشت. عماد خراسانی در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در جوانی چشم از جهان فرو بست.

عماد فقیه [Emāde Faqih]: خواجه عمادالدین علی فقیه کرمانی، مشهور به عماد فقیه و متخلص به عماد از شاعران سده هشتم هجری و از معاصران سلطان ابوسعید بهادرخان و نخستین سلاطین آل مظفر است.

کلیات آثار عماد فقیه مشتمل بر: چند مثنوی، مقطعات، قصاید، غزل ها، رباعیات و چند مخمّس و مرثیه است. مثنوی های او عبارتند از: صحبت نامه، محبت نامه، ده نامه، صفا نامه و طریقت نامه.

عماد لُر [Emāde Lor]: امیر حکیم عمادالدین یوسف لُر فضلوی معروف به عماد لُر و متخلص به عماد از شاعران سده هفتم هجری است. این شاعر از مداحان و مصاحبان خاندان جوینی یعنی شمس الدین و عطا ملک جوینی (۶۸۱ هجری) است.

عمادی [Emādi]: امیر عمادی شهریاری، از شاعران اواخر سده ششم است. آغاز شاعری و شهرت او، از دستگاه عمادالدوله فرامرز از امیران خاندان باوندی است که در نیمه اول سده ششم بر مازندران حکومت داشت. سال وفات این شاعر ۵۸۲ هجری است. دیوان این شاعر در دسترس میباشد.

عمارۀ مروزی [Emāre Marvazi]: ابومنصور عمارۀ بن محمد مروزی از شعرای معروف اواخر عهد سامانی و اوایل دوره غزنوی است. این شاعر بزرگ ایرانی در سال ۳۹۵ هجری در بیابان مرو بدست بادیه نشینان عرب کشته شده است. غزلهای او معروفیت بسزائی دارد.

عمر بن مسعود [Omar ebn Maswud]: تاج الدین عمر بن مسعود از شاعران ایران است که در عهد شاهان آل افراسیاب بسر میبرده است. رباعیات این شاعر معروف است.

عمیق بخارایی [Amaq Boxarai]: امیرالشعرا شهاب الدین عمیق بخارایی از استادان بنام ماوراءالنهر در اوایل سده ششم هجری است. عنوان امیرالشعرائی را از دستگاه خاقانیان داشته است. عمیق بخارایی، در بخارا بدنیا آمد و بعد از مهارت در شعر و ادب به سمرقند رفت. این شاعر، بیش از یکصد سال عمر نموده است. سال وفات او ۵۴۲ هجری است. دیوان اشعار او در سال ۱۳۰۷ خورشیدی

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وحدان O,o V,v (Cub) جوب C,c U,u (Zale) زاله Z,z (Jamw) جمع W,w J,j (Sarkes) سرکش S,s K,k A,a (Adam) آدم A,a (Qarq) غرق Q,q (Xayyam) خیام X,x Y,y

در تبریز چاپ شده است که بالغ بر هفت هزار بیت دارد.

عمل [Amal]: در اصطلاح موسیقی، به معنی ترکیب آهنگ، ابداع لحن و بداهه نوازی یا بدیهه سرائی است. هم چنین به نوعی تصنیف هم گفته میشود. عبدالقادر مراغه‌ای در باب انواع تصنیف‌ها نوشته است: تصنیف‌ها و عمل موسیقی یازده قسم است: نوبت، بسیط، کل الضروب، ضربین، کل النغم، نشید، عمل، صوت، پیشرو، زخمه و قطعه.

عمله شکوه [Amaleye Škuh]: اصطلاحی است که در مشهد به نقاره چی‌ها گفته میشود.

عمله طرب [Amaleye Tarab]: واژه‌ای که برای موسیقیدان و نوازنده در دوره ناصرالدین شاه استفاده میشده است.

عمله طرب خاصه [Amaleye Tarabxāse]: به نوازندگان دریاری در زمان ناصرالدین شاه اطلاق میشده.

عمومی، حسین [Hoseyn Omumi]: دکتر حسین عمومی، نوازنده چیره دست نی و موسیقیدان آشنا به تمامی ردیف‌های آوازی موسیقی ایران. حسین عمومی از نی نوازان برجسته در نیم سده گذشته ایران است که نامش در کنار حسن کسایی، محمد موسوی، حسن ناهید و محمد علی کیانی نژاد آمده است. دکتر حسین عمومی، در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. اصول مقدماتی موسیقی را از پدرش فراگرفت. در ۱۴ سالگی تحت تأثیر صدای نی استاد حسن کسایی به این ساز روی آورد و در سال ۱۳۴۶ شاگرد استاد کسایی بود. او بعدها به هنرستان عالی موسیقی رفت و زیر نظر استاد هائی چون: محمود کریمی و فرهاد فخرالدینی ردیف‌های آوازی را آموخت. دکتر حسین عمومی، فارغ‌التحصیل رشته معماری از ایران و ایتالیا است و علاوه بر تدریس در دانشکده معماری دانشگاه ملی به تدریس موسیقی در دانشکده هنرهای زیبا و هنرستان عالی موسیقی پرداخت. او مدتها در مرکز مطالعات موسیقی شرق دانشگاه سوربن فرانسه به تدریس اشتغال داشت.

عنایتی، رحمت‌اله [Rahmatollāh Enāyati]: رحمت‌اله عنایتی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در اراک بدنیا آمد.

او در سال ۱۳۳۲ به تهران آمد و در سال ۱۳۳۹ به کلاس موسیقی آپادانا واقع در خیابان امیریه رفت. پس

آدم (Ādam) A,a A,a سركش (Sarkes) J,i W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdān) O,o V,v چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

از چهار ماه آموزش در کلاس آپادانا با شنیدن صدای سنتور استاد رضا ورزنده از رادیو، کلاس را رها کرد و در صف شاگردان ورزنده درآمد و سالها از مکتب ایشان بهره برد.

عندلیب اصفهانی، حسین [Hoseyn Andalid Esfehāni]: از مناجات خوانهای معروف تهران که در مسجد سپهسالار می خواند.

عندلیب اصفهانی، سید حسین [Seyyed Hoseyn Andalib Esfehāni]: از خوانندگان، تعزیه خوانها و روضه خوانهای معروف دوران قاجاریه است.

عندلیب السلطنه [Andalib-ol-Saltane]: خواهر حبیب سماع حضور و نوازنده چیره دست ارگ دستی که در دربار شعاع السلطنه مظفرالدین شاه خوانندگی می کرد.

عندلیب گلپایگانی [Andalib Golpāygāni]: از خوانندگان اواخر دوران قاجاریه و اوایل عصر پهلوی.

عندلیب، میرزا حسین [Mirzā-Hoseyn Andalib]: از موسیقیدانها و استادهای بنام آواز در اصفهان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۰ خورشیدی است که مدتها به تعلیم تاج اصفهانی اهتمام گزید.

عندلیبی، جلیل [Jalil Andalibi]: جلیل عندلیبی در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. او موسیقی را با خوانندگی در وزارت فرهنگ و هنر سنندج آغاز کرد. استاد او حسن کامکار بود. او بعدها در سال ۱۳۵۲ به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفت و موفق به اخذ لیسانس موزیکولوژی شد. جلیل عندلیبی، نوازنده چیره دست سنتور، در سال ۱۳۵۶ با بنیان‌گذاری گروه مولانا و مشتاق در چندین جشنواره داخل و خارج از کشور شرکت می کند. از همکاران او میتوان به: محمد رضا شجریان، رضوی سروستانی، شهرام ناظری، علیرضا افتخاری و شاپور رحیمی اشاره داشت. آهنگ های بسیاری از ساخته های این هنرمند گرانقدر در دسترس میباشد نظیر: مین با صدای شجریان، کیش مهر، بیغوله، بنمای رُخ و شعرعارفان، با صدای شهرام ناظری. شکوفه های جاویدان با صدای شاپور رحیمی. همراه عشق، سرخوشان با صدای علیرضا افتخاری. از این هنرمند کتابی بنام «موسیقی عرفانی در گُردستان» وجود دارد.

عندلیبی، جمشید [Jamsid Andalibi]: جمشید عندلیبی، برادر هنرمند گرانقدر جلیل عندلیبی در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در سنندج چشم به جهان گشود. از ده سالگی به مکتب حسن کامکار رفت و در ۱۲ سالگی به عضویت ارکستر موسیقی ایرانی استان گوردستان پذیرفته شد. او از فارغ التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران است.

او نی را از استاد حسین عمومی و ردیف های آوازی را از زنده یاد محمد کریمی فرا گرفت. جمشید عندلیبی نوازنده چیره دست نی، از سال ۱۳۵۶ همکاری خود را با رادیو تلویزیون ایران در گروه شیدا و عارف آغاز کرد. او از بانیان کانون فرهنگی هنری چاووش است. از کارهای بزرگ او، اجرای قطعه نی نوا، کار حسین علیزاده است.

عندلیبی، جمیل [Jamil Andalibi]: نوازنده چیره دست قانون که در تهران فعالیت دارد. جمیل علاوه بر قانون، در نی نوازی نیز مهارت دارد.

عندلیبی، فرهاد [Farhād Andalibi]: نوازنده زبردست کمانچه و قیچک در گروه موسیقی حافظ به سرپرستی علی تحریری.

عنصری [Onsori]: استاد ابوالقاسم حسن ابن احمد عنصری بلخی، سرآمد سخنوران در دربار محمود و مسعود غزنوی بود. وفات این شاعر بزرگ در سال ۴۳۱ هجری است. دیوان اشعار او بالغ بر دو هزار بیت دارد. منظومه های معروفی چون: وامق و عذرا، خنک بت و سرخ بت از آثار اوست.

عنق [Enq]: ربابی که در خراسان و فارس نواخته میشود.

عنقا [Anqā]: ۱- از آلات موسیقی زهی که بخاطر شباهت به پرنده عنقا دارای گردنی بلند بوده و در این حالت سیم ها با طولهای متفاوت نظیر قانون، از روی خرک ها، عبور میکرده است.
۲- سازی است بادی شبیه گُرنا.

عواد [Avvād]: به نوازنده عود اطلاق میشود.

عود [Ud]: در لغت؛ چوبی است سیاه رنگ و خوش بو. در موسیقی، از آلات زهی و زخمه ای است. عود از قدیمی ترین آلات موسیقی در جهان است که در تمام دنیا، سازی است شناخته شده. ایرانیان به

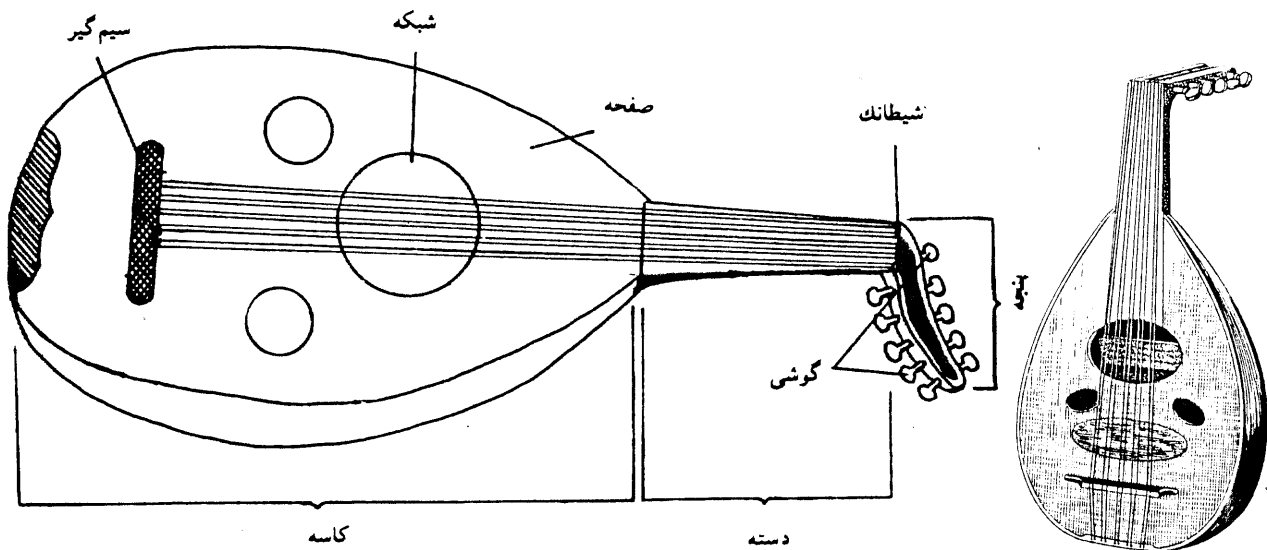
آدم (Ādam) A,a S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Voklān) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zāle)

این ساز برپط میگویند.

ابن سینا، بعضی از نظریات خود را در مورد کوک کردن برپط بیان داشته است. در ساز شناسی قدیم، کاملترین آلت زهی، برپط با ده وتر میباشد که هر دو سیم یا وتر دو بدو با هم کوک میشده اند. پرده بندی اکثر سازهای زهی براساس برپط میباشد. در زمان فارابی، برپط با چهار سیم نواخته میشده است. پس از حمله اعراب به ایران و گسترش اسلام، این ساز از طریق یونان، ایتالیا و اسپانیا به قاره اروپا رفت.

زمانیکه، عود، دسته‌ای بلند داشته به آن پانتور می گفتند. قدمت عود به بیش از دو هزار سال پیش از میلاد (چهار هزار سال پیش) میرسد. ایرانی ها در ساختمان دسته آن تغییراتی دادند. در هزار و هشت صد سال پیش، در ایران، عود به شکل کنونی آن ساخته میشده است. در سده اول مسیحی به هند میرود. بعدها به چین میرود و پی ای - پا آنامیده میشود. اندکی بعد در ژاپن با نام بی وا، رایج میگردد.

عود دسته کوتاه در سده پانزده به اروپا میرود. امروزه، عود دارای پنج جفت سیم است که «دو - سل - ر - لا - سل» کوک میشود.



عود کامل [Ude Kâmel]: عود پنج سیمی را عود کامل گویند.

عود نواز، صابر [Sâber Udnavâz]: از موسیقیدانها و نوازندگان عود در زمان شاه تهماسب صفوی.

عودی، قلی محمد [Qoli Mohammad Udi]: از نوازندگان عود در سده نهم هجری و عصر تیموری.

عهدیه [Ahdyye]: خواننده خوش صدا و قدیمی که نزدیک به چهل سال است که می خواند. از اولین ترانه های عهدیه؛ من و خاکستر با شعری از خانم سیمین بهبهانی و آهنگ منوچهر لشگری بود. عهدیه در پیش از انقلاب، یکه تاز فیلم های فارسی بود و کمتر فیلمی بدون صدای او ساخته میشد. از عهدیه ترانه های جاویدانی باقی مانده است از آن جمله: خاطر خواه، تولدت مبارک، نور خدا. عهدیه در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند.

عیان، مرتضی [Mortezā Ayān]: نوازنده چیره دست ضرب که در حال حاضر در آمریکا زندگی می کند.

عیدی پور، محمد [Mohammad E'idi-Pur]: نوازنده زبردست ویلن در خوزستان.

عیر [IR]: سازی است کوبه ای از رده طبل و دهل.

عیسی آقاباشی [Isā Aqābāsi]: از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه، آشنا به ردیف های موسیقی که تنبک را بخوبی می نواخته است.

عیشی شیرازی [Isi Širāzi]: از شاعران معروف سده نهم و اوایل سده دهم است. کتاب این شاعر: عشرت نامه، نام دارد. او شاعری هجو پیشه و شوخ بود و عمری طولانی کرد و تا زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا حیات داشت.

عیشی هروی [Isi Heravi]: حاقط علی عیشی هروی از غوریان هرات و از شاعران مشهور زمان سلطان حسین بایقرا است.

عین الدوله، حاج خان [Hāj-xān Eyn-o-dolle] تنبک نواز مشهور عهد قاجاریه و از همکاران نزدیک درویش خان.

عیوُقی [Ayyouqi]: از شاعران دوره اول عهد غزنویان و معاصر سلطان محمود (۳۷۸ - ۴۲۱ هجری) است. مثنوی این شاعر بنام: ورقه و گلشاه نام دارد که توسط دکتر احمد آتش، استاد دانشگاه استانبول یافته شد و در سال ۱۳۴۳ خورشیدی چاپ گردید.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z